

مقایسه‌ی خسرو شیرین نظامی با وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی

دکتر حسن بساک*

چکیده

منظومه‌ی وامق و عذرا یکی از پنج مثنوی میرزا محمدصادق نامی است که آن را به تقلید از خمسه نظامی سروده است. در این مقاله وجوه تشابه دواثر غنایی منظومه خسرو شیرین نظامی و وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی با روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی تحلیل و توصیف مورد بررسی قرار گرفت. نظر به اهمیت تبیین ظرایف عواطف انسانی در منظومه‌های غنایی بویژه دو منظومه خسرو شیرین و وامق و عذرا و ضرورت شناخت عمیق تر متون ادبی و غنایی کلاسیک فارسی؛ این دو اثر به شیوه‌ی مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند که در هر دو اثر شاهزاده‌ای کامران، عاشق دختری زیبا و پاکدامن شده ولی چون هر دو دختر در مثنوی‌های مذکور، پاکدامن و عفیف بودند خواهسته عاشقان خود را بر آورده نساخته اند، در نتیجه عاشقان از آنان رویگردان شدند و هر کدام از آن شاهزادگان با اینکه با زنان دیگری چه از روی اختیار و چه از روی اجبار ازدواج کردند ولی در نهایت سرنوشت آنان رابه معشوق اصلی داستان رساند اگرچه در هر دو داستان عاشق و معشوق بعد از وصال فنا شدند و از بین رفتند. با وجود شباهت‌های موجود، تفاوت‌هایی نیز در این دو منظومه وجود دارد مانند شیوه‌ی عاشق شدن شخصیت‌ها، شاهزاده بودن شیرین و بدوی بودن عذرا، شجاعت خسرو نسبت به وامق، حضور فرهاد به عنوان رقیب در خسرو و شیرین و نبودن رقیب در وامق و عذرا. در مجموع زاویه دید در هر دو داستان بیرونی است و صحنه پردازی تا حدودی یکسان اما اثر نامی اصفهانی نسبت به نظامی ساده تر و از انسجام و پیختگی کمتری برخوردار است که این مساله اثر را از شکل حجمی به خطی بدل ساخته است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات غنایی، خسرو شیرین، نظامی گنجوی، وامق و عذرا، میرزا محمدصادق نامی.

۱- مقدمه

ادوارد مورگان فورستر، در کتاب «جنبه‌های رمان»، داستان را «نقل وقایع به ترتیب توالی زمانی» می‌داند (فورستر، ۱۳۹۱: ۴۲) و معتقد است، داستان واقعی، باید شنونده را بر آن دارد که بخواهد بداند

*Email: bassa@pnu.ac.ir

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد

پژوهش در ادبیات غنایی و بیان احساسات و عواطف نفسانی بویژه در منظومه خسرو و شیرین نظامی و وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی که از نظر مضمون و ساختار شباهت‌ها و در عین حال تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند به عنوان یک جریان اجتماعی تأثیرگذار در جامعه قابل توجه است.

۱-۱- بیان مسأله

اگرچه تقلید در ادبیات می‌تواند به نوعی از ناتوانی در نوآوری و یا ضعف نقد و نقادی سرچشمه بگیرد اما از دریچه‌ای دیگر می‌تواند به توان والای برخی از سراینده‌گان و ماندگاری برخی از آثار مرتبط باشد و از همین منظر می‌توان الگو برداری از آثار طراز اول ادب فارسی را نیز نوعی انتخاب آگاهانه و نقد و داوری منصفانه قلمداد کرد که در این مقاله و با همین رویکرد، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو منظومه «خسرو و شیرین نظامی» و «وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی» مورد مطالعه قرار گرفت.

۲-۱- پرسش‌های تحقیق

۱- میرزا محمدصادق نامی با چه رویکردی و تاچه حدی از نظامی تقلید کرده است؟ ۲- شیوه الگو برداری و تقلید میرزا محمدصادق در مثنوی وامق و عذرا از مثنوی خسرو و شیرین نظامی چگونه است؟

۳-۱- فرضیات

۱- به نظر می‌رسد شاعران با الگو قرار دادن و تقلید از آثار شعرای طراز اول به خلق آثار بویژه در حوزه ادب غنایی که مخاطبان بیشتری داشت، می‌پرداخته‌اند و میرزا محمد نامی نیز با معیار و ملاکی معین به الگو برداری از نظامی پرداخته است. ۲- به نظر می‌رسد مثنوی وامق و عذرا هم به جهت شیوه پردازش داستان و هم به جهت مضمون و محتوا شباهت‌های چشمگیری با خسرو و شیرین نظامی داشته باشد اما تفاوت‌هایی در روند داستان بر شیوه تقلید وی تأثیرگذار بوده است.

۴-۱- اهداف تحقیق

۱- آشنایی بیشتر با ادبیات غنایی و پژوهشی گسترده‌تر در زمینه منظومه‌های همسان. ۲- تحلیل محتوای منظومه‌های غنایی بارویکرد مقایسه‌ای در جهت توصیف عواطف و احساسات انسانی. ۳- بیان میزان تأثیرپذیری مثنوی وامق و عذرای میرزا محمدصادق نامی از خسرو و شیرین نظامی.

۵-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق باید اذعان کرد که تاکنون بسیاری از نویسندگان به بررسی و تحلیل آثار نظامی پرداخته‌اند و آثار ارزشمندی در این زمینه بویژه مثنوی خسرو و شیرین تألیف شده است اما در باب مقایسه آن با آثار میرزا محمدصادق نامی پژوهشی انجام نگرفته است. مقاله‌های زیادی در زمینه مقایسه منظومه‌های غنایی بایکدیگر وجود دارد، که در اغلب آنها منظومه خسرو و شیرین نظامی با آثار غنایی

دیگر مورد مقایسه قرار گرفته است (طاهری، ۱۳۸۵). مقاله «بررسی تطبیقی برخی عناصر داستانی خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین» به مقایسه این دو اثر از جهت وزن و محتوا پرداخته است (عبدالله زاده، ۱۳۸۸). مقاله «ویس و رامین و خسرو و شیرین» ابتداء به شباهت های شخصیت های این دو داستان پرداخته است و ویس و شیرین را در عشق، وفاداری و بردباری یکسان دانسته است و نتیجه گیری کرده که: نظامی توانسته با سرودن منظومه خویش به زن جلوه های مثبت دهد و هر چند در آفریدن شخصیت های خود از منظومه فخرالدین اسعد گرگانی الهام پذیرفته ولی روش کارش به گونه ای بوده که قهرمانان داستانش رنگ و طرحی تازه یافته اند و این نشانگر ابداع و نوآوری وی بوده است. (رضایی اردانی، ۱۳۸۷، پژوهشنامه ادب غنایی). مقاله «نقد تحلیلی تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی گنجوی»، معتقد است هر کدام از این دو منظومه نمایانگر دو فرهنگ و ایده مختلفند. یکی بیانگر ایران پیش از اسلام (خسرو و شیرین) و دیگری بیانگر زندگی قبیله ای با سنت های خشک اعراب بدوی (لیلی و مجنون). عشق در خسرو و شیرین با عشق در لیلی و مجنون متفاوت است. در خسرو و شیرین عشق مجازی مرد به زن و زن به مرد مطرح است، ولی در لیلی و مجنون اگرچه ظاهر عاشق و معشوقی در کار است، ولی این دو وسیله ای هستند برای بیان عشق عرفانی. (سام خانیانی و دیگران، ۱۳۹۰، پژوهشنامه ادب غنایی) در مقاله «نقد تطبیقی ساختار روایی خسرو و شیرین نظامی و مثنوی پدماوت» به مقایسه ساختار روایی دو مثنوی خسرو و شیرین نظامی و پدماوت پرداخته اند. و این دو منظومه را از نظر زاویه دید، جنبه های واقع نمایی اثر، شیوه های انتقال زمانی، توصیف و... بررسی کرده اند. (نصراصفهانی و حقی، ۱۳۸۹، پژوهشنامه ادب غنایی) با مقاله شیرین و پاملا در حوزه نقد تطبیقی ادبیات غنایی آثاری به مخاطبان عرضه کرده اند. باید یادآور شد که در مورد بررسی تطبیقی دو مثنوی «خسرو و شیرین» نظامی و «وامق و عذرای» میرزا محمد صادق نامی کاری صورت نگرفته است تنها در باب معرفی وامق و عذرا، (بحرالعلومی، ۱۳۵۳) مقاله «صادق نامی و وامق و عذرای او» را نوشته است. تنها مقاله در باب مقایسه با عنوان «تأثیر شاهنامه در مثنوی وامق و عذرای عنصری» (ریاض، ۱۳۴۸) است و همانطور که از عنوان این مقاله بر می آید به منظومه وامق و عذرای عنصری پرداخته است و نه محمد صادق نامی.

۲- مبانی نظری

نظامی یکی از بزرگترین شاعران ادب پارسی است که آثاری نظیر او سبب شده است تا شاعران بسیاری، حتی چندین قرن بعد از او نیز به تقلید از آثارش بپردازند. یکی از این شاعران، میرزا محمد صادق نامی است که پنج مثنوی اش را به تقلید از خمسه نظامی سروده است. منظومه

غنایی وامق و عذرایکی از همان پنج مثنوی نامی است. بخش قابل توجهی از ادبیات کلاسیک ما را گنجینه ارزشمند منظومه های غنایی تشکیل می دهد که به سبب بیان مخیل عواطف انسانی حائز اهمیت بسیار است. «ادب غنایی اشعار و آثاری است که احساسات و عواطف شخصی و خصوصی را بیان می کند. در این نوع شعر، حس از تخیل اهمیت بیشتری دارد که در واقع خیال انگیزی از حس ناشی می شود. در ادب غنایی حس بدان معناست که انسان از صور ادراکی متأثر شود و این تأثیر انواع مختلفی مانند لذت، غم، شادی و... داشته باشد. شعر غنایی فارسی معمولاً عاشقانه است.» (تمیم داری، ۱۳۷۹: ۱۶۱)

عشق، شالوده و بن مایه ادبیات غنایی است و بیان هنری تصویرهای احساسی و عاطفی عاشقانه در شعر غنایی یکی از زیباترین جلوه های ادبیات را به نمایش می گذارد. «شعر غنایی ما از لحاظ ساختار، با توجه به موسیقی کلمه و کلام و جنبه های معنایی چنان لطف و گیرایی یافته است که برخی از محققان غربی آن را در حد سمفونی ستوده اند. درون مایه آثار غنایی بیشتر ترجمان رازهای درونی و توصیف تعلقات خاطر و نامرادی های زندگی افراد مستعدی است که احساس خود را در قالب اشعار لطیف و گیرا بیان کرده و به یادگار گذاشته اند. عشق نیرویی است که نسل تر از بشریت، موجب وجود کاینات که نه تصویری است و نه انتزاعی و مجرد، بلکه حقیقتی است محسوس و حتی ملموس و غیر ارادی که عامل اصلی و علت غایی جهان هستی است. در منظومه های غنایی کمال یافته ی ما نیز عشق همین ویژگی را دارد.» (نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۸) و محورد استانها عشق است.

۳- خسرو و شیرین

مثنوی خسرو و شیرین نظامی یکی از زیباترین منظومه های غنایی است که جذابیت خاصی برخوردار است و با اینکه تاکنون شاعران بسیاری به تقلید از این شاهکار نظامی پرداخته اند ولی هیچ کدام نتوانسته اند با او برابری کنند. «نظامی، مثنوی زیبای خسرو و شیرین را در سال ۵۷۱ هجری قمری به پایان برده و خود گفته است که هر بیتی نشانه ای از جادوی هنر شاعر را به همراه دارد و سالهای سال پس از وی اگر بنخواهند، ابیات نظامی بر حضور او گواهی می دهند، زیرا شاعر خود در این ابیات پوشیده و پنهان حاضر است. خسرو و شیرین در ظاهر کار، شرح عشق و عاشقی شاهزاده خسرو پرویز با شاهزاده ای از ارمنستان بنام شیرین است. لیکن در باطن و درون این داستان رازهای نگفته نهفته است. یعنی ظاهر داستان زیبا و دلنشین است و باطن آن محکم و استوار.» (ثروتیان، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۴)

۴- وامق و عذرا

میرزا محمد صادق موسوی اصفهانی، نویسنده و شاعر معروف و توانای نیمه دوم سده دوازدهم است، که در شعر (نامی) تخلص می کرد. نامی پنج مثنوی اش را به پیروی از نظامی سروده است. وامق

و عذرا چهارمین مثنوی اوست که دارای ۲۷۱۶ بیت است. زبان شاعر پخته و تصویرها دلپذیر و استوار و در خور یک منظومه غنایی است. شعرای دیگری نیز این داستان را به نظم در آورده اند، که برآیند مقایسه همه آنها این است که بیشتر متأثر از دو مثنوی لامعی و صلحی است و داستان پردازان کوشیده اند با استفاده از محفوظات و تصورات خویش در پرداخت قصه و تنظیم رویدادها هنرمندی به خرج دهند و خویشترن را شایسته تر بنمایند. (نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۴-۹) خلاصه منظومه وامق و عذرای میرزا محمد صادق نامی بدین قرار است که: شاهزاده وامق که برای شکار به صحرا رفته است، عذرا را که در میان قبیله اش زندگی می کند، می بیند و شیفته اش می شود. به نزدش می رود و عشق خود را نشان می دهد. در مجلس بزم، عشق و می، وامق را مست می کند و به زلف سیاه یار دست می یازد و بر لبش بوسه می دهد. عذرا خشمگین می شود و وامق را از خود رانده و دور می کند. وامق از آنجایی می رود و عذرا از کرده خود پشیمان می شود و در فراق یاراشک حسرت می ریزد. در نبرد، وامق به دست دشمن اسیر می شود و ناخواسته با سلمی دختر شاه ازدواج می کند. عذرا سخت ناراحت می شود و نامه ای برای وامق می فرستد و وفای خویش و بی وفایی وی را یادآوری می کند. وامق نیز در پاسخ دوباره عشق خود را به عذرا بازگویی کند. وامق و سلمی که از مصر عازم یمن بودند در راه گرفتار طوفان می شوند و تنها وامق نجات می یابد و به ساحل می رسد. از طرفی شاه ایران به خواستگاری شاهزاده یمن سفیری می فرستد و اجابت نمی یابد. همین بهانه ای برای جنگ و به خاک و خون کشیدن سرزمین یمن می شود. چون وامق به سرزمین خویش بازمی گردد، تخت پادشاهی را واژگون و سرزمین را غرق خون می بیند، ناچار در دشت و بیابان به جستجوی یار می پردازد. عذرا نیز آواره بیابان بود و در جستجوی یار، که دست تقدیر آن دو را به هم رسانید. به سوی هم شتافتند و یکدیگر را تنگ در آغوش گرفتند، ناگاه آتش درون شعله ور شد و پیکر عاشق و معشوق را بسوخت.

۵- شباهت های منظومه های خسرو و شیرین و وامق و عذرا

۵-۱- آغاز دو منظومه

در هر دو منظومه شاعران ابتدا به توحید و ستایش و مناجات با خداوند پرداخته اند:

به نام آن که هستی نام از او یافت فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

خدایی که آفرینش در سجودش گواهی مطلق آمد بر وجودش (نظامی، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

در این ابیات، شاعر از آفرینش هستی سخن به میان آورده است و اساس هر چیز را از خدای تبارک و

تعالی می داند. در منظومه وامق و عذرا نیز افتتاح سخن به نام اوست:

ای ز نامت نامه ی نامی بنام وی به نامت افتتاح هر کلام

ای خدا، آن کن که اندر روزگار جز نکویی ناید از این دست، کار

(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۴)

نامی نیز سخنش را با نام خدا آغاز کرده و اقرار کرده است که آغاز هر کلامی باید با نام خدا باشد و از خداوند یکتا درخواست خیر و نیکی کرده است و بعد از مناجات و ستایش خدای یکتا، به نعت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) پرداخته اند. در منظومه خسرو و شیرین آمده است:

محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین برجان پاکش

چراغ افروز چشم اهل بینش طراز کارگاه آفرینش (نظامی، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

در اینجا نیز نظامی به اصل آفرینش پرداخته است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را طراز کارگاه آفرینش خوانده است. در منظومه وامق و عذرا می خوانیم:

ای نبی ابطحی ای روح پاک وی رسول هاشمی، روحی فداک

کارملت شد به عالم بی رواج از کرم کن چاره، و ز رحمت علاج (نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۶)

نامی در این ابیات از پیامبر اکرم برای جهانیان درخواست کمک کرده است. با مقایسه ابیات نظامی و نامی در این بخش، می توان به پخته تر بودن کلام نظامی پی برد و این که نظامی نسبت به نامی به مباحث و موضوعات پیچیده تری پرداخته است.

۵-۲- وجود برخی ویژگی های رمانس و هوسنامه در هر دو منظومه

از آنجا که دو ویژگی عمده رمانس یعنی عاشقانه و پرماجرا بودن؛ در هر دو اثر وجود دارد، می توان هر دو را در حوزه رمانس نیز مورد مطالعه قرار داد. «رمانس (romance) قصه خیالی منثور یا منظومی است که به وقایع غیر عادی یا شگفت انگیز توجه کند و ماجراهای عجیب و غریب و عشق بازی های اغراق آمیز یا اعمال سلحشورانه را به نمایش گذارد» (نصراصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). در وامق و عذرا تقریباً ساختار کلی هوسنامه را ملاحظه می کنیم، زیرا هم عشق بازی های اغراق آمیز و هم ماجراهای عجیب و غریب، خصوصاً در آخر داستان (سوختن وامق و عذرا با شعله کشیدن آتش درون) وجود دارد. خسرو و شیرین نیز در حوزه رمانس و به تعبیر خود نظامی (هوسنامه) قرار دارد. فرای (Northrop Frye) معتقد است: «منظور نظامی از (هوسنامه) که به دلیل نبود پیشینه آن، احتمالاً باید گفت از برساخته های استادانه خود اوست، اصطلاح (رمانس) بوده است و از آشنایی گسترده و شناخت ژرف او از بوطیقای ژانرها یا انواع ادبی آثارش حکایت می کند» (فرای، ۱۳۸۴: ۲۳).

مرا چون مخزن الاسرار گنجی چه باید در هوس پیمود رنجی؟

ولیکن در جهان امروز کس نیست که اوراد هوسنامه هوس نیست

هوس پختم به شیرین دستکاری
چنان نقش هوس بستم براو پاک

هوسناکان غم را غمگساری
که عقل از خواندنش گردد هوسناک

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۹۸)

۳-۵- دیدار در شکارگاه

در منظومه خسرو و شیرین، خسرو به قصد شکار به صحرا می‌رفت و همچنان که سرگرم شکار بود شیرین از سوی دیگر نمایان شد.

که با یاران جماش آن دل افروز
دو صید افکن به یک جا باز خوردند

به عزم صید، بیرون آمد آن روز
به صید یکدگر پرواز کردند

نظر بر یکدگر چندان نهادند
نه از شیرین جدا می‌گشت پرویز

نه از گلگون گذر می‌کرد شب‌دیز
(همان: ۲۵۶-۲۵۵)

در منظومه وامق و عذرائیز، شاهزاده وامق به تمنای شکار، بر اسبش می‌نشیند و از خرگاه عزم صحرا می‌کند. شاهزاده در جستجوی شکار، ناگاه چشمش به عذرای زیبا عذار می‌افتد.

شاهزاده با تمنای شکار
جانب صحرا عنان بگشادشاد

شد به خنگ برق تک روزی سوار
بخت در فرمان و طالع بر مراد

بود وامق، آن نگار ماهروی
با غلامان سوی صحرا صید جوی

قصه کوتاه، دید وامق آن نگار
جانب عذرا بت زیبا عذار

از فسون و سحر عشق حيله ساز
چشم وامق هم به عذرا گشت باز

(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۲)

در این بخش نظامی و میرزا محمد صادق نامی، برای رساندن منظور خود از استعاره بهره جسته‌اند.

۴-۵- حیا و پاکدامنی معشوق

معمولاً در منظومه های غنایی ایران زمین، زن عفت و پاکدامنی خود را در همه جا حفظ کرده است و هیچ گاه دامن خود را به گناه نیالوده است. «در منظومه خسرو و شیرین، شیرین در معنای واقعی کلمه، قهرمان مثبت اثر است. تنها تمثال مثبت زن است که در ادبیات ملل مشرق زمین تا زمان نظامی، نظیر آن به وجود نیامده بود. نظامی قهرمان خود را دوست می‌دارد، در سرتاسر داستان او را از هر عیبی منزّه می‌دارد و تا مرتبه قهرمانی ایده آل، خردمند و باذکاوت و سرشار از کیفیات معنوی پیش می‌برد.» (صدیق، ۱۳۶۰: ۵۸) پاکدامنی شیرین از معرفت مقام عشق ناشی می‌شود: «شیرین مقام عشق

را خوب می شناسد و هرگز آن را با هوای نفس نمی آمیزد و در راه معشوق بلارابه جان می خرد، و از هیچ نوع فداکاری خودداری نمی کند. عشق در نظر شیرین مقامی بس والا و ارجمند دارد. او معتقد است که عشق حقیقی با غرور و شهوت پرستی و هوس بیگانه است. (بصاری، ۱۳۵۰: ۴۸) اعتقاد به اخلاق و پابندی به آیین ها و همچنین عرف جامعه نیز در پابندی به خرد و پرهیز از هوا و هوس نقشی اساسی دارد: «شیرین نقش پرداز زنی است که تا با خسرو شهریار ساسانی پیمان زناشویی نبسته است، به مشکوی زربینش پای نمی نهد. گرچه سخت بروی شیفته است و از این لحاظ سیمای نمادین زن واله و شیدایی است که از ناشایست بنابه حکم اخلاق و عرف جامعه می پرهیزد و دلشدگی اش با پاکدامنی همراه است.» (ستاری، ۱۳۸۳: ۳) در منظومه و امق و عذرا، نیز عذرا دوشیزه ای پاکدامن است. آنجاکه نامی می گوید: «عشق با می همدست، و میهمان دیوانه و مست شد. به زلف مشکبار یار چنگ زد و بر لب یاقوت رنگش بوسه ای بداد. عذرا از آن دلیری و گستاخی خشمگین شد و زهر از انگبین آشکار کرد. از چشمان سیاه رنگش خشم بارید و از نگاهش، زهر جانگزا بریخت» (جباری، ۱۳۸۸: ۲۲)، نشان از حیا و پاکدامنی عذرا دارد.

عشق با می الغرض همدست شد	میهمان دیوانه گشت و مست شد
زد به زلف مشکبار یار چنگ	بوسه دادش بر لب یاقوت رنگ
گشت عذرا زان دلیری خشمگین	آشکارش گشت زهر از انگبین
خشم بارید از سیه چشم بلا	هر نگاهش ریخت زهر جانگزا

(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۸)

۵-۵- اعراض عاشق از معشوق

در قسمتی از منظومه خسرو و شیرین، شیرین مدتی بنا بر سوگندی که پیش مهین بانو خورده بود، چندان توجهی به خسرو نداشت. لذا خسرو رنجیده خاطر گشت و زبان حالش این بود:

به تندی گفت: من رفتم، شبت خوش	گرم دریابه پیش آید، گر آتش
مرا ناخورده می تو مست کردی	به بیهوده دلم راپست کردی
بر آن عزمم که ره در پیش گیرم	شوم، دنبال کار خویش گیرم

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۸۲-۲۸۱)

در منظومه و امق و عذرا نیز، بعد از گستاخی و امق و خشم و غضب عذرا، و امق از وی اعراض کرد و سخنان گله آمیز بر زبان آورد و از کوی او رخت بریست:

وقت رفتن ریخت اشک لعل گون روبه عذرا کرد چشمی پرزخون

گفت: بدرود ای مه مهمان نواز
درد سر بردیم اکنون شاد زی
ای ز ما و یاری ما بی نیاز
از صداع میهمان آزاد زی
یاد تو بردیم با خود یادگار
از برت رفتیم با جان فگار
(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۰)

در این بخش نیز ابیات نظامی هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ فخامت و استواری جذاب تر و زیباتر به نظرمی رسد.

۶-۵- ازدواج خسرو و وامق با زنانی دیگر غیر از معشوق اصلی

خسرو بعد از رفتن از پیش شیرین با مریم دختر قیصر روم ازدواج کرد.
چو قیصر دید کآمد بر درش بخت
بدو تسلیم کرد آن تاج با تخت
چنان در کیش عیسی شد بد و شاد
که دخت خویش مریم رابدوداد
(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۸۳)

و بعد از شنیدن وصف (شکر اصفهانی) با او نیز ازدواج کرد.

یکی گفتا سزای بزم شاهان
چو بشنید این سخن، خسرو از ایشان
شکر نامی است در شهر سپاهان
گواه میهمان شد راست کیشان
به آیین زناشویی نشانندش
فرستاد از سرای خویش خوانندش
(همان: ۳۶۳-۳۵۹)

وامق نیز بعد از رفتن از پیش عذرا و گرفتار شدن در دست لشکر مصر و شام، مجبور شد تا با سلمی دخت شاه ازدواج کند.

شاه فرمان داد تا اسباب سور
مختصر در آن شب خوشتر ز روز
جمع آوردند از نزدیک و دور
شد قران آن دو سعد دلفروز
وامق از اندوه عذرا سر به زیر
داشت در دل حسرت دلدار خویش
بود در سودای دیرین یار خویش
نازنین سلمی ز وامق کام گیر
(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۵)

۷-۵- فنای بعد از وصال

در این دو منظومه عاشق و معشوق ها بعد از وصال به دیار فنا می شتابند. خسرو و شیرین به گونه ای و وامق و عذرا به گونه ای دیگر، چنان که در داستان خسرو و شیرین، بعد از ازدواج و وصال

آن دو، خسرو به دست پسرش شیرویه، کشته می شود و شیرین نیز پس از مرگ خسرو خودکشی می کند:

فلک بیدار و از چشم، آب رفته	دو یار نازنین در خواب رفته
جگرگاهش دریدوشمع راکشت	به بالین شه آمد تیغ در مشت
گشاده چشم و خود را کشته دیده	ملک در خواب خوش پهلو دریده
که شیرین را نکرد از خواب بیدار	به تلخی، جان چنان داد آن وفادار

(نظامی، ۱۳۹۱: ۴۴۷)

جان دادن شیرین بعد از مرگ خسرو:

هلاک جان شیرین بر سر آورد	چو صبح از جان شیرین سر بر آورد
همان جادشنه ای ز دبر تن خویش	بدان آیین که دید آن زخم راریش
زهی جان دادن و جان بردن او	زهی شیرین و شیرین مردن او
به جانان جان چنین باید سپردن	چنین واجب کند در عشق مردن

(همان: ۴۵۲-۴۵۰)

وامق و عدرا نیز بعد از آن همه جدایی یکدیگر را پیدا کرده و به وصال هم رسیدند. از بسیاری شوق بسوی یکدیگر شتافتند، آغوش محبت باز کردند و از سر تا پا غرق نیاز شدند. به یکدیگر پیوستند و تنگ در آغوش هم خفتند. ناگهان آتش دل، شعله برافروخت و هستی هر دو را خاکستر کرد (جباری، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

مختصر آن هر دو یار آشنای	سوی هم از شوق بنهادند پای
هر دو آغوش محبت کرده باز	هر دو از سرتا به پا غرق نیاز
چون پیوستند با هم آن دو یار	تنگ بگرفتند هم را در کنار
آتش دل، شعله ناگه بر فروخت	پیکر زیبای آن هر دو بسوخت

(نامی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۲۹)

باید یادآور شد که نظامی پایان داستان رامفصل تر، کامل تر و زیباتر بیان کرده است، حال آنکه میرزا محمد صادق نامی به طور خیلی موجز و مختصر پایان داستان وامق و عدرا را به نظم کشیده است.

۵-۸- صحنه پردازی

صحنه پردازی این دو اثر تا حد زیادی شبیه به هم است. صحنه های منظومه های خسرو و شیرین و وامق و عدرا بیشتر تفرجگاه ها، شکارگاه ها، صحرا و مناظر زیبای طبیعت است. زاویه دید نیز در

هر دو داستان بیرونی است و در حوزه عقل کل یا دانای کل است یعنی داستان از زبان راوی سوم شخص ارائه می شود و شخصیت ها از طریق گفتار و کردارشان شناخته می شوند.

۶- تفاوت های دو منظومه

با وجود شباهت های فراوان میان منظومه های غنایی خسرو و شیرین و وامق و عذرا تفاوت هایی نیز بین آنها دیده می شود که از آن جمله است:

۶-۱- طرز عاشق شدن شخصیت ها

خسرو به محض شنیدن اوصاف شیرین از زبان شاپور، و شیرین به محض دیدن تصویر خسرو، عاشق می شوند ولی عشق میان وامق و عذرا با ملاقات و دیدارشان در شکارگاه شکل می گیرد.

۶-۲- شیرین و عذرا

از داستان وامق و عذرا چنین برمی آید که عذرا دختری بدوی است که در قبیله ای دور زندگی می کند و هیچ نشانی از تمول و تجمل در او دیده نمی شود. حال آنکه شیرین، برادرزاده بانوی ارمن است که بعد از مرگ عمه اش (مهبین بانو) به پادشاهی و سروری می رسد.

چو بر شیرین مقرر گشت شاهی فروغ ملک بر مه شد ز ماهی (نظامی، ۱۳۹۱: ۲۹۵)

۶-۳- خسرو و وامق

در باب خسرو و وامق نیز تفاوت هایی به چشم می خورد. از جمله در داستان خسرو و شیرین، نظامی، خسرو را بسیار شجاع و دلیر و قهرمان جلوه داده، چنانکه در جای جای داستان دیده می شود مانند شیرکشتن خسرو در بزمگاه:

شاه از مستی شتاب آورد بر شیر

به یکتا پیرهن، بی درع و شمشیر

کمان کش کردمشتی تا پناگوش

چنان بر شیر زد کز شیر شد هوش (همان: ۲۶۴)

جنگ خسرو با بهرام و گریختن بهرام:

چو کوه آهنین از جای جنبید

زمین گفتی که سر تا پای جنبید

شبیخون کرد و آمد سوی بهرام

ز ره را جامه کرد و خود را جام

شکست افتاد بر خصم جهانسوز

به فرخ فال، خسرو گشت پیروز (همان: ۲۸۵-۲۸۳)

ولی در داستان وامق و عذرا هیچ اثری از شجاعت و دلآوری وامق نیست. حتی در جایی از داستان،

وامق در دست لشکر مصر و شام اسیر می شود:

کاندر اقصای دیار مصر و شام

پادشاهی بود انجم احتشام

کینه ی شاه یمن بد در دلش

خصمی شه بود در آب و گلش

با سپاهی آن چنان لشکرشکن
 الغرض از کین گردون دورنگ
 از زبردستی خصم چیره دست
 بر کمند دشمنان سخت گیر
 روی کرد از کین سوی ملک یمن
 عرصه بر شاه یمن گردید تنگ
 بر بنای شوکتش آمد شکست
 از قضا شهزاده وامق شد اسیر
 (نامی اصفهانی: ۱۳۸۱: ۳۴-۳۳)

از دیگر تفاوت های این دو داستان می توان به وجود شخصیتی دیگر به نام فرهاد اشاره کرد، که در داستان خسرو و شیرین در نقش عاشق دلسوخته و شیفته شیرین حضور دارد، در صورتی که در داستان وامق و عذرا چنین شخصیتی دیده نمی شود و وامق تنها کسی است که عاشق و شیفته عذراست.

۷- نتیجه

منظومه خسرو و شیرین در سال ۵۷۱ هجری قمری توسط نظامی گنجوی سروده شده است. موضوع داستان، عشق خسرو و پرویز به شیرین شاهزاده ارمنی است که از داستانهای عصر ساسانی است. وامق و عذرا نیز در نیمه دوم سده دوازدهم هجری قمری توسط شاعر معروف و توانا میرزا محمد صادق نامی سروده شده است. نامی پنج مثنوی اش را به پیروی از خمسه نظامی سروده است. وامق و عذرا چهارمین مثنوی اوست که داستان عشق شاهزاده وامق به عذراست. حاصل سخن اینکه منظومه «خسرو و شیرین» نظامی و «وامق و عذرا»ی میرزا محمد صادق نامی، مشابهت های فراوانی با هم دارند. هر دو داستان تاحدودی از ویژگی های رمانس برخوردارند. شاهزادگانی زیبا عاشق دخترانی زیبا و پاکدامن هستند که بعد از کشمکش های بسیار به وصال معشوق می رسند. وصالی که سرانجام به فنا می انجامد. در این دو داستان با وجود شباهت های بسیار، تفاوت هایی نیز وجود دارد. از جمله: شکل عاشق شدن شخصیت ها، شاهزاده بودن شیرین و بدوی بودن عذرا، شجاعت و دلیری خسرو و نبود چنین صفتی در وامق، حضور فرهاد در داستان خسرو و شیرین به عنوان رقیب قابل توجه است که البته شخصیتی نظیر آن در داستان وامق و عذرا، میرزا محمد صادق نامی وجود ندارد. اشعار نظامی منسجم تر، زیباتر و پخته تر است و اینها همه نشان از مهارت و استادی اوست ولی اشعار میرزا محمد صادق نامی با تقلید از نظامی، سخنش چندان تازگی ندارد و بسیار ساده و معمولی است و از این حیث هیچ نیازی به توضیح و تفسیر نیست و نسبت به اشعار نظامی از آرایه های ادبی کمتری برخوردار است همین امراثر نامی را از شکل حجمی به خطی بدل ساخته است و می دانیم که این نه تنها حسن اثر ادبی به شمار نمی آید بلکه تا حدود زیادی از ارزش هایی که آنها را ارزش های ادبی متن می خوانیم می کاهد.

منابع

۱. برادران، شکوه، چهره شیرین، چاپ اول، اهواز: دانشگاه جندی شاپور، ۱۳۸۸.
۲. بحرالعلومی، حسین، «صادق نامی و وامق و عذرای او» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تیر، شماره ۸۵، صص ۲۵-۳۲، ۱۳۵۳.
۳. تمیم داری، احمد، کتاب ایران، چاپ اول، تهران: هدی، ۱۳۷۹.
۴. ثروتیان، بهروز، زنان افسانه ای در آثار نظامی گنجه ای، چاپ اول، تبریز: آیدین، ۱۳۸۹.
۵. جباری، رحمت اله، وامق و عذرا، چاپ اول، تهران: حریر، ۱۳۸۸.
۶. رضایی اردانی، فضل الله، «نقد تحلیلی- تطبیقی منظومه خسرو و شیرین ولیلی و مجنون نظامی گنجوی»، پژوهشنامه ادب غنایی، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۱۱۲-۸۷، ۱۳۸۷.
۷. ریاض، محمد، «تاثیر شاهنامه در مثنوی وامق و عذرای عنصری»، هلال، شماره ۳۹، صص ۱۴-۲۰، ۱۳۴۸.
۸. سام خانیانی، علی اکبر؛ محمدی، ابراهیم؛ نظری، اعظم؛ «نقد تطبیقی ساختار روایی خسرو و شیرین نظامی مثنوی و پدماوت»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۷، صص: ۱۳۰-۱۳۹، ۱۰۳.
۹. ستاری، جلال، سایه ایزوت و شکرخند شیرین، چاپ اول، تهران: مرکز، ۱۳۸۳.
۱۰. طاهری، حمید، «بررسی تطبیقی برخی عناصر داستانی خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۱۱ و ۱۱۰ و ۱۰۹، صص ۴۳-۳۲، ۱۳۸۵.
۱۱. عبدالله زاده، ادریس، «عشق و دلدادگی در خسرو و شیرین نظامی و مم وزین احمدخانی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۴۸، صص ۶۷-۶۲، ۱۳۸۸.
۱۲. ع. مبارز، آقلی زاده، م. سلطانف، زندگی و اندیشه نظامی، اقتباس و برگردان: ح. م. صدیق، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۶۰.
۱۳. فرای، نور تروپ، صحیفه های زمینی، ترجمه هوشنگ رهنما، چاپ اول، تهران، هرمس، ۱۳۸۴.
۱۴. مشهدی، محمد امیر؛ اویسی، عبدالعلی؛ به آبادی، راضیه؛ «مقایسه ی سیر روایی منظومه های خسرو و شیرین نامی اصفهانی و نظامی گنجوی»، پژوهشنامه ادب غنایی، بهار و تابستان، سال سیزدهم - شماره ۲۴، صص ۲۴۹ ° ۲۶۶، ۱۳۹۴.
۱۵. نامی اصفهانی، محمد صادق، وامق و عذرا، تصحیح رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۱۶. نصرافهانی، محمدرضا. حقی، مریم، «شیرین و پاملا»، پژوهش نامه ادب غنایی، شماره ۱۴ صص ۱۶۰-۱۴۱، ۱۳۸۹.
۱۷. نظامی، الیاس بن یوسف، خسرو شیرین، به کوشش سیده زرین دخت دانش، چاپ اول، تهران، ارمغان طوبی، ۱۳۹۱.
۱۸. یزدانی، سوسن؛ روحانی، مسعود؛ رحمان اف، عبدالجبار، «بررسی جنبه های تاریخی دو منظومه غنایی خسرو و شیرین نظامی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی»، پژوهش نامه ادب غنایی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، زمستان، صص ۱۶۷-۱۸۶، ۱۳۹۱.

